

بسمه تعالی

معارف انقلاب اسلامی و برنامه‌های درسی

«ارایه الگو»

حسن ملکی

معاون طراحی و تولید بسته‌های یادگیری

برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها چه نسبتی با معارف انقلاب اسلامی ایران باید برقرار کنند؟ آیا آن‌ها با توجه به معیار و ملاک‌های برنامه‌ریزی درسی مجاز به بی‌توجهی هستند؟ آیا این اسناد حاکمیتی که مهم‌ترین وسیله و سند برای نهادینه کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شوند می‌توانند به معارف انقلاب که حیات‌بخش ملت مسلمان ایران است بی‌تفاوت باشند؟ در یک نگاه ایستا و نزدیک‌بین می‌توان بی‌تفاوتی‌ها را توجیه کرد ولی در نگاه پویای دوران‌دیش هرگز این بی‌تفاوتی قابل توجیه نمی‌باشد. همه ما به انقلاب اسلامی بدهکار هستیم زیرا که این پدیده اجتماعی، سیاسی و اعتقادی عظیم تاریخ عزت و شرف و پایداری را به همه ما ارزانی داشت. این که در دنیای کنونی جبهه استکبار خوار و ذلیل شده و در برابر نیروی ایمانی ملت انقلابی ایران توانایی هیچ اقدامی را ندارد، این که رهبر معظم انقلاب به تاسی از سالار شهیدان در مبارزه با طاغوت‌های زمان راست‌قامت ایستاده و بدون کوچک‌ترین ترس و وا همه در میدان عمل انقلابی است، این که ملت‌های تحت ستم در کشورهای گوناگون به هوشیاری انقلابی رسیده‌اند و در برابر استکبار ایستادگی می‌کنند و ده‌ها موارد دیگر، همه از پیامدهای انقلاب اسلامی ایران است. بی‌توجهی به این پیامدها و قدرناشناسی از این تحوّل بی‌بدیل تاریخ ظلم بزرگی است که به حکم عدل و عقل و انصاف از ارتکاب به این ظلم باید پرهیز نمود.

هرچه از عمر پر برکت انقلاب اسلامی ایران سپری می‌شود و رویدادهای گوناگون در سطح بین‌المللی بروز و ظهور بیشتری پیدا می‌کند گوهر انقلاب نیز نمایان‌تر می‌گردد. تفاوت بارز این نهضت اسلامی و این پیروزی عظیم با سایر انقلابات در دنیا این است که روح تحوّل و انقلابی نهضت تمام شدنی نیست زیرا که جامعه ایمانی به‌طور مدام باید در جهت تعالی و تأمل حقیقی تغییر موقعیت دهد. توقّف و ایستادن برای مؤمن و جامعه با ایمان مطابق آزمون‌های قرآن قابل توجیه نیست. هر قدر عمق ایمان بیشتر می‌شود، روحیه انقلابی نیز وسعت و دامنه افزون‌تری پیدا می‌کند.

براین اساس نسبت و رابطه عمیق «تربیت» با انقلاب اسلامی ایران وضوح و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. برای پایداری انقلاب اسلامی ایران باید کودکان و نوجوانان را به طرق مختلف آموزش داد و روحیه انقلابی و استکبار ستیزی را در آنان تقویت کرد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران با نگرش عمیق و آینده‌نگرانه خود که نوعاً به دیده حکمت به امور می‌نگرند، تربیت انقلابی نسل کنونی را به مسئولان تعلیم و تربیت کشور متذکر شده‌اند و مکرر به این موضوع تاکید فرموده‌اند.

روش‌های تربیت انقلابی دانش‌آموزان

تربیت انقلابی ناظر بر نهادینه ساختن ارزش‌های انقلابی، توسعه دانش انقلابی و تقویت مهارت‌های انقلابی است. سه مقوله ارزش‌ها، دانش‌ها و توانائی‌ها به‌عنوان مثلث تربیت در همه عرصه‌های تربیتی صدق می‌کند و برای یادگیری در هر سه مرحله باید کوشش نمود. بدیهی است که در اعمال روش‌های تربیتی به نوع مخاطب باید توجه نمود و برای هر دوره تحصیلی برنامه خاص تدارک دید. ملاحظات و روش‌های کلی در این نوشته ارایه می‌گردد. فروع آن براساس مختصات تربیتی هر یک از دوره‌های تحصیلی به‌طور خاص باید پی‌گیری گردد. در مجموع اصول زیر را که در تربیت انقلابی دانش‌آموزان باید به کار گرفت:

۱- اصل ساده‌سازی رویدادهای انقلاب اسلامی ایران

پدیده انقلاب اسلامی و تاریخ چهل ساله آن دربرگیرنده رویدادهای گوناگونی است که هر کدام در اثر علل و عواملی شکل گرفته و نتایج و پیامدهایی را به‌دنبال دارد. این پدیده‌ها به‌گونه‌ای هستند که یک تحلیل‌گر سیاسی، اجتماعی می‌تواند در مواجهه با آن‌ها متن تحلیلی عمیقی را خلق کند و هم یک فرد عادی می‌تواند با ملاحظه آن به نتایجی برسد. به‌عنوان مثال طرح این سؤال که: «چرا باید جمهوری اسلامی ایران به‌طور دائم و شکست‌ناپذیر با جبهه استکبار مبارزه کند؟» این ضرورت از کجا ریشه می‌گیرد. برخی از عافیت‌طلبانی که اهل قبول سختی و محدودیت‌ها برای تداوم راه انقلاب نیستند گاهی از این حرف‌ها می‌زنند که: مبارزه با آمریکا تا کی؟ چرا شرایط ما با آمریکا عادی نمی‌شود؟

این طرز تلقی‌ها از یک پایگاه فکر مشخص و یک عافیت‌طلبی و راحت‌گزینی نشأت می‌گیرد. این‌ها نوعاً موضع کسانی است که به‌طور انقلابی تربیت نشده‌اند و رسیدن به یک زندگی راحت (به‌زعم آن‌ها) را راهبرد اصلی زندگی خود انتخاب نموده‌اند. بنابراین برای مقابله با این نگرش به زندگی و سهل‌انگاری در برابر آمریکا باید ضرورت مقابله دائم با استکبار را به زبان کودکان و نوجوانان ساده‌سازی کرد و به آنان آموخت که راحتی و آسایش حقیقی و هم‌شان با ارزش انسان از مبارزه بی‌امان با جبهه استکبار زاده می‌شود. باید به زبان ساده و ذکر مثال‌های عینی و قابل

فهم به آنان آموخت که ما در زندگی دو نوع راحتی می‌توانیم داشته باشیم. یک «راحتی سیاه» و یک «راحتی سفید». راحتی سیاه در ارتباط با بیگانگان با خواری تسلیم درآمخته است. چنانچه ملت مسلمان ایران خواسته‌های استکباری آمریکا را بپذیرد و از اصول انقلابی خود عدول کند ممکن است در نیازهای مادی به آسایش‌هایی برسد. البته این هم قطعی نیست زیرا که کشورهای وابسته به آمریکا با مصائب زیادی مواجه هستند. خداوند راحتی را با ذلت و خواری جمع نکرده است بلکه با مجاهدت‌ها و دلیرمردی‌ها و کوشش‌های برنامه‌دار هدفمند آسایش واقعی حاصل می‌آید. لذا «راحتی سفید» راحتی ناشی از حریت و استقلال است. ممکن است در این راه سختی‌هایی پیش‌آید و مضیقه‌هایی برای یک ملت مبارز پدید آید ولی با این سختی‌ها حتماً آسانی هست.

اصل گفت و گو

آموزش معارف انقلاب اسلامی به دانش‌آموزان باید از طریق ارتباط کلامی مستمر و متناسب با روان‌شناسی یادگیرنده انجام گیرد. هر قدر شیوه حرف زدن با یکدیگر و تحمل یکدیگر بیشتر باشد و کنجکاوی‌های کودکان از سوی بزرگسالان تحمل شود. به همان اندازه می‌توان راهی به سوی فهم معارف انقلاب باز نمود. حسن گفت‌وگو آن است که باعث تفاهم مناسب و نهایتاً درک درست از مطالب می‌شود. در دوره ابتدایی، گفت‌وگو عمدتاً جنبه القایی دارد. گفت‌وگوی القایی آمیخته به احساس و عواطف است و نباید جنبه استدلالی به خود بگیرد. این تذکره به این معناست که گفت‌وگو با کودکان خالی از استدلال است بلکه به این معناست که استدلال محوریت و اصالت در این سن ندارد. می‌توان درباره امام(ره) درباره دستاوردهای انقلاب اسلامی با یک محاوره کامل خودمانی با کودکان حرف زد و پیام‌هایی را به آنان رساند.

اصل مشاهده و عینی‌سازی

دیدن حوادث و رویدادها با شنیدن از دیگران تفاوت زیادی دارد. نسل‌های اولیه رویدادهای این نهضت قرآنی و آزادی بخش را در خیابان‌ها و کوچه‌های شهرهای مختلف ایران اسلامی دیده‌اند و داغ شهادت عزیزانشان را بر دل دارند. جنایت‌های عوامل طاغوت در دوران پیروزی انقلاب اسلامی آن‌چنان بر ذهن و قلبشان وارد شده که به آسانی زدوده نمی‌شود. این نسل‌های اول، دوم و سوم انقلاب اسلامی را باید انصار و مهاجرین انقلاب اسلامی ایران نامید. ولی هر قدر عمر انقلاب افزایش پیدا می‌کند از مشاهده‌کنندگان بی‌واسطه کم می‌شود و به استماع‌کنندگان و نقل روایت‌ها افزوده می‌گردد. این وضع، مسئولیت راویان و مربیان را می‌طلبد که با برنامه‌های عملیاتی مشخص زمینه‌های مشاهده و عینی‌سازی وقایع انقلاب اسلامی را برای آنان فراهم سازند. مشاهده صحنه‌های واقعی انقلاب و جنگ تحمیلی از طریق فیلم‌های آموزشی مناسب، مشاهده آثار عینی این تحوّل عظیم با شیوه‌های درست می‌تواند نگرش‌های

انقلابی را تقویت کند. دیدن جانبازان عزیز دوره دفاع مقدس و پای صحبت آنان نشستن، مخصوصاً همراه با یک فضای معنوی و الهام‌بخش اثر تربیتی بالایی می‌تواند باقی بگذارد. در مجموع برای تربیت انقلابی کودکان امروز از وسایل و ابرازی که امکان مشاهده و ملموس‌سازی را فراهم می‌سازند، استفاده بیشتر باید کرد.

اصل مدارا و سعه‌صدر

اخلاق به‌عنوان یک ستون مهم جامعه‌دینی و انقلابی به‌شمار می‌رود و از یک جهت نمایش خلافت بشر، اخلاق است نه چیز دیگر. زندگی ابعاد گوناگونی دارد و هر یک اهمیت خود را دارند ولی اخلاق را به‌عنوان هدف نهایی نظام اسلامی باید محسوب نمود. نه تنها در اهداف بلکه در سایر مؤلفه‌ها نیز باید پیروی از اخلاق را مدنظر داشت.

علاوه بر این که رعایت اصول اخلاقی برای همگان و در همه شرایط مورد نیاز است ولی در تعلیم و تربیت رسمی گوناگون این نیاز بیشتر می‌شود. فراموش نکنیم امروز کودکان و نوجوانان به‌دلیل شیوع اطلاع‌رسانی از طریق فضای مجازی با مباحث اخلاقی گوناگون مواجه می‌شوند و بعضی از آنان ذهنیت مثبت و منفی گوناگونی و گاهی متضاد در ذهن و وجود دانش‌آموزان به‌وجود می‌آورند.

با این ذهنیت ممکن است در خصوص شعارهای انقلاب یا سایر مسایل مربوط به آن سخنان زاویه‌داری مطرح گردد و در رفتارشان نشانی از مقابله مشاهده شود. با این نوع رفتارها باید با سعه‌صدر و با مدارای اسلامی مواجه شد ولی برای رفع ابهامات و اصلاح ذهنیت افراد نیز برنامه داشت. اصولاً از طریق اخلاق اسلامی می‌توان به صدور انقلاب به جاهای دیگر و جذب حداکثری و تعدیل افکار و اندیشه‌ها اقدام نمود. این ضرورت در ارتباط با تربیت کودکان و نوجوانان به‌طور مضاعف قابل طرح و انجام است. زیرا که در تعلیم و تربیت کودکان راهی جز «حوصله هوشیارانه» نداریم و راهی جز تحمل و تغافل و تربیت غیرمستقیم مؤثر نیست.

اصل تکیه بر اندیشه رهبران اصلی انقلاب

تفکر ریشه‌ای و اساس برنامه‌های تحول را در کدام و افکار رهبر اصلی انقلاب اسلامی ایران و سایر رهبران نزدیک به رهبر اصلی پایه یافت. با نقشه‌ای که آنان طراحی کردند کارها پیش‌رفته و جرأت و اعتماد به نفسی که آنان در پیکر جامعه دمیده‌اند پیروزی‌ها به‌دست آمده است. اندیشه رهبران اصلی مخصوصاً نظام فکری، حضرت امام خمینی (ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را به زبان ساده و متناسب با روان‌شناسی کودک به نگارش درآید و به طرق مناسب در اختیار افراد قرار گیرد. در اختیار قرار گرفتن این اندیشه با ابتکارات عملی برای استماع و فهم مخاطبان باید همراه باشد. نشست‌های روایتگری رویدادهای انقلاب و خواندن کتاب‌های کودکان مرتبط با اندیشه امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران به‌راه افتد تا شیوع افکار انقلابی به‌طرز مؤثر تحقق پیدا کند.

اصل رفتار عملی

کودکان شدیداً اثرپذیر از الگوهای رفتاری هستند و پایه‌های اصلی شخصیت آنان از طریق مشاهده رفتارهای دیگران شکل می‌گیرد. هر قدر الگوهای پیرامونی محبوب کودکان و نوجوانان باشند به همان اندازه تأثیرشان از آنان افزون‌تر است. از این قاعده تربیتی می‌توان در آموزش معارف انقلاب اسلامی ایران بهره جست و شعارهای انقلاب را در وجود آنان نهادینه کرد. قبل از هر کس و هر نهادی، نهاد خانواده مؤثر است. درحقیقت اولین معلم کودکان والدین هستند که رابطه بی‌بدیلی با فرزندان خود دارند و همیشه در کنارشان زندگی می‌کنند. نوعاً خانواده انقلابی فرزند انقلابی تربیت می‌کند مگر آن که عوامل مخلاً دیگری این ارتباط مؤثر را خدشه‌دار سازد. وقتی از همان آغاز کودک مشاهده کند مادرش و پدرش به ارزش‌های انقلاب اسلامی احترام می‌گذارند و در رفتارهای روزمره از آنان دفاع می‌کنند، همین روحیه در فرزندان نیز شکل می‌گیرد. یکی از دلایل قداست خانواده را در همین اثر تربیتی آن باید جستجو کرد. نقش انسان‌سازی خانواده آن‌چنان مقامی به این نهاد می‌دهد که در اسناد بالادستی ما با صفت «مقدس» از آنان یاد می‌شود.

پس از خانواده، نهاد مدرسه نقش تربیتی فوق‌العاده دارد. تأثیری که یک معلم خوب روی کودکان و نوجوانان دارد گاهی از تأثیر یک خانواده نیز بیشتر است. معمولاً معلمان مخصوصاً در دوره ابتدایی محبوب دانش‌آموزان هستند و رفتارشان نزد آنان معیار و ملاک کارهای خوب و پذیرفتنی تلقی می‌شود. براین اساس وجود معلمان انقلابی در مدارس جمهوری اسلامی ایران یک ضرورت است و در تربیت چنین معلمانانی باید کوشش کرد. به نظر می‌رسد در آماده‌سازی معلمان با صلاحیت و با روحیه انقلابی اثرگذار در مدارس چندان توفیقی به دست نیآورده‌ایم و اسناد بالادستی و برنامه درسی ملی تعریف تفصیلی خیلی خوب از مدرسه به عمل آورده است، ولی وضع موجود مدارس فاصله زیادی با آن شاخص‌ها دارد. اصولاً نظام تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش و دانشگاه نتوانسته‌اند به‌طور مطلوب خود را با فرهنگ انقلاب اسلامی سازگار سازند. از این وضع به‌عنوان یک نقص اساسی باید یاد کرد. نقصی که ادامه آن مسایل گسترده‌تری را به وجود خواهند آورد.

اصل هماهنگی نهادهای تربیت

هماهنگی نهادهای تعلیم و تربیت به‌نفوذ و تأثیرگذاری پیام‌های تربیتی برای دانش‌آموزان می‌افزاید و از هرز رفتن نیروی معنوی و مادی جلوگیری می‌کند. در آموزش معارف انقلاب اسلامی به نسل کنونی باید هماهنگ عمل کرد و از ایجاد تعارض تربیتی جلوگیری نمود. لزوم هماهنگی در جامعه ما زیاد گفته می‌شود ولی کمتر به آن عمل می‌شود. شاید هم کار آسانی نباشد. مخصوصاً هماهنگی نهادهای غیررسمی تربیت با نهاد تربیت رسمی محدودیت‌ها و مسایلی دارد. نهادهای رسمی مقید به هدف‌های تربیتی مصوب و رسمی هستند و با انضباط لازم فعالیت‌ها را مدیریت می‌کند

ولی نهادهای غیررسمی مانند صدا و سیما، خانواده‌ها و امثال این‌ها چنین قید رسمی ندارند. نهادهای غیررسمی هدف‌های خرد و کلان گوناگون فرهنگی- تربیتی و سیاسی، اجتماعی را تعقیب می‌نمایند ولی نهاد رسمی آموزش و پرورش عمدتاً با هدف‌های قصد شده و رسمی مرتبط است. این نوع تفاوت‌ها پذیرفتنی است ولی ضرورت هم‌سویی آن‌ها در تعلیم و تربیت نسل حاضر نیز به هیچ‌عنوان قابل اغماض نمی‌باشد. در این خصوص هم ما احتیاج به اندیشه و تأمل اساسی داریم. هر قدر تعارض و تفاوت پیام‌های تربیتی بین نهادهای مربوط بیشتر باشد به همان اندازه زاویه‌گیری از معارف انقلاب بیشتر خواهد شد و فاصله نسل‌ها گسترش خواهد یافت. برنامه‌های کلان نهادها باید به‌طور واقعی باهم‌نگری شود و برنامه‌های خرد نیز در جلسات هم‌اندیشی در کنار هم دیده شوند و بررسی دقیق صورت گیرد تا زمینه برای هماهنگی بهتر و بیشتر به‌وجود آید. اجرای جهادی توافقات نیز مسئله دیگری است که جایگاه و نقش خود را دارد.

اصل زیباگویی

خوب سخن گفتن با سخن خوب گفتن تفاوت دارد. این موضوع با روان‌شناسی عموم انسان‌ها سازگار است که مایل هستند هم سخن دلپذیر بشنوند و هم با روش مناسب آن را دریافت کنند. این نکته در مواجهه با کودکان به مراتب ضروری‌تر و تأثیرگذارتر است. خدای متعال نیز با بندگان خود زیبا سخن می‌گوید. قرآن زیباترین سخن است که با زیباترین روش ارایه شده است. خدای خالق انسان‌ها با علم مطلق خود به این موضوع عنایت فرموده است که هر قدر مطلب زیبا باشد طرفدار بیشتری پیدا می‌کند و در نتیجه به تعداد هدایت یافتگان اضافه می‌شود. مخصوصاً سوره‌های «مکی» که برای فردسازی نازل شده‌اند و برای ایجاد تحوّل فرهنگی در جاهلیت عرب به‌سوی بشریت آمده‌اند به زبان هنری و با آهنگ زیبا طرح شده‌اند. تعداد زیادی از انسان‌ها جذب زیبایی‌های قرآن و ابعاد هنری آن شده‌اند و ایمان آورده‌اند. کودکان و نوجوانان نیز به دریافت پیام‌های زیبا و هنری احتیاج دارند. کودکی که عواطف و احساسات قوی دارد از طریق سخنان زیبا به‌سوی انقلاب اسلامی و شعارهای انقلاب جذب می‌شود و آماده دریافت سایر پیام‌ها می‌گردد. کلام زیبا، نوشته زیبا، تصاویر زیبا، روابط زیبا و غیره همه در این مسیر مؤثر می‌باشند. اگر تعلیم و تربیت ابعاد عملی، اجتماعی و روان‌شناسی دارند جنبه هنری و زیبایی شناختی هم باید داشته باشند. زیبایی‌هاست که پیام را نافذ و دلپذیر می‌سازند.

چگونگی طرح معارف انقلاب در برنامه‌های درسی

در نظام تعلیم و تربیت رسمی، برنامه‌های درسی مدارس ابزار بسیار مؤثری به‌شمار می‌روند و در صورت اجرای درست تأثیر زیادی در شکل‌دهی به هویت دانش‌آموزان را باقی می‌گذارند. قبل از ارایه الگوی طرح معارف انقلاب

در کتاب‌های درسی و سایر رسانه‌های آموزشی به این واقعیت باید توجه نمود که بنابه علل گوناگون کتاب‌های درسی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. یکی از علل ناشناخته بون کتاب‌ها در مدارس است. منظور از ناشناخته بودن این است که نوعاً نمی‌دانند این کتاب‌ها با کدام فرایند و با کدام دقت نظرها و ظرافت‌ها تولید شده‌اند. چندان تفاوتی بین این اسناد رسمی حاکمیت با سایر کتاب‌ها نمی‌دانند. طبیعی است که میزان توجه انسان برای صیانت از یک چیز رابطه مستقیم دارد با معرفت حقیقی به آن چیز. هر قدر کتاب‌های درسی ناشناخته باشند به همان اندازه مشمول کم توجهی قرار خواهند گرفت.

علت دوم؛ سودجویی‌هایی است که از طریق کتاب‌های کمک‌درسی وارد مدارس شده است. کم نیستند مدارس که برخی کتاب‌های درسی را کنار زده‌اند و به جای آن‌ها کتاب‌های کمک‌درسی را تدریس می‌کنند و گاهی مبالغه‌سنگینی نیز برای خرید آن‌ها به خانواده‌ها تحمیل می‌نمایند. این یعنی غلبه سودپرستی بر تعلیم و تربیت عادی رسمی. **علت سوم؛** ضعف معلمان در اجرای برنامه‌های درسی است. مطلق‌گویی روا نیست ولی زیادند معلمانی که برای تدریس کتاب‌های درسی جدید از مهارت‌های لازم برخوردار نمی‌باشند و به همین دلیل آسان‌ترین راه را در کم‌توجهی به آن‌ها می‌دانند و همراه شدن با کتاب‌های کمک‌درسی مغلّ یادگیری را می‌پسندند. با همه این کاستی‌ها نمی‌توان از آموزش معارف انقلاب از طریق برنامه‌های درسی به‌طور عام و کتاب‌های درسی به‌طور خاص چشم‌پوشی کرد.

گام اول: تدوین مجموعه‌ای از مفاهیم، ارزش‌ها و مهارت‌ها

مفاهیم، ارزش‌ها و مهارت‌های انقلابی کدامند و از کدام منبع باید به دست آیند؟ به نظر می‌رسد با مطالعه افکار و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌توان به ابعاد مختلف محتوای مورد نیاز نایل شد. چون این موضوع از سوی ایشان خطاب به مسئولان مطرح شده است.

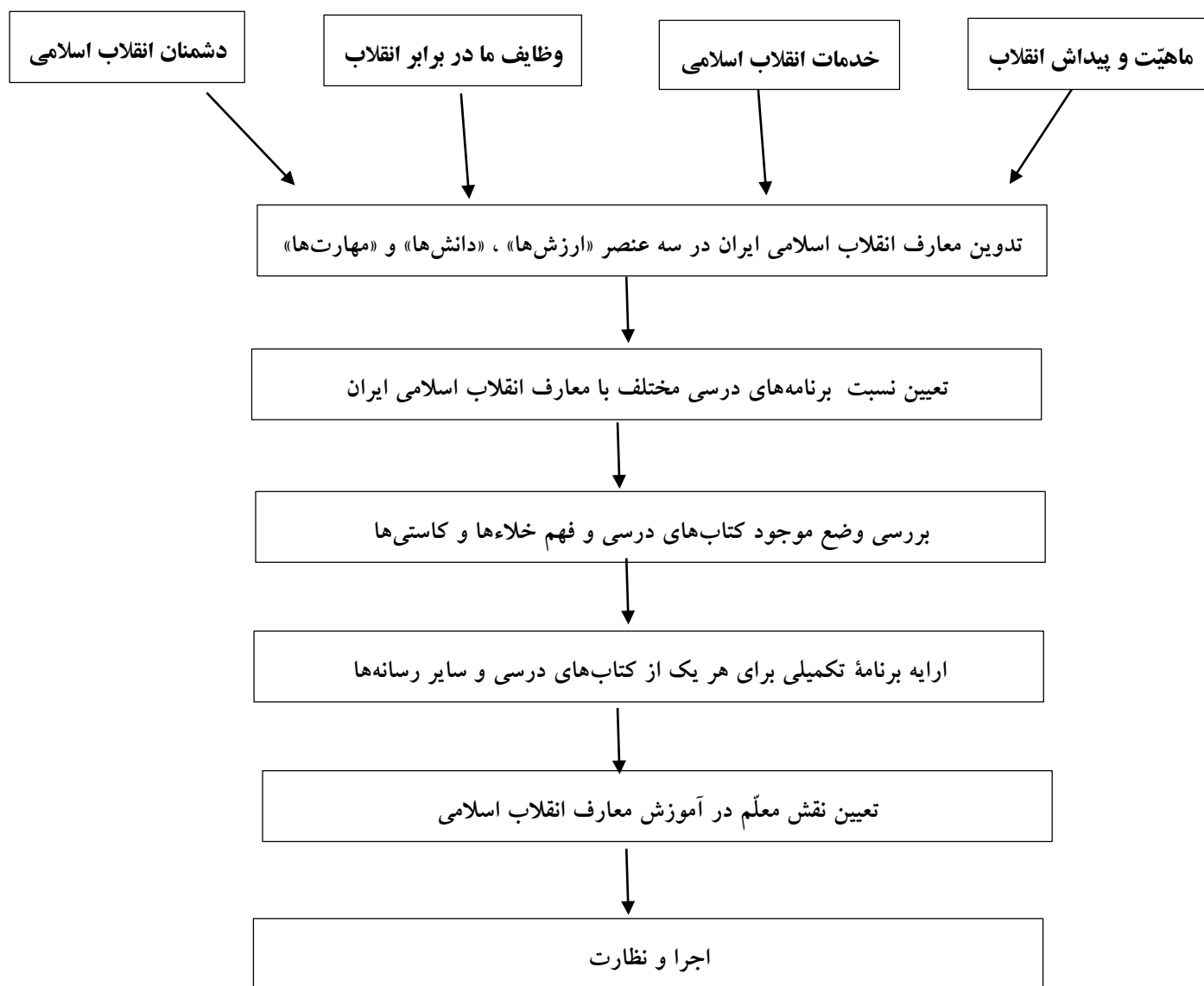
به علاوه این که در گام دوم انقلاب اسلامی به ضرورت‌های اقدامات انقلابی در حال و آینده انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و دلالت‌های روشنی در این خصوص ارایه نموده‌اند. شاید بتوان مجموع آموزش‌های ضروری معارف انقلاب را ذیل چند سرفصل کلی قرار دارد و تحلیل کرد. یکی از آن‌ها یادآوری ماهیت و پیدایش انقلاب اسلامی ایران است. گذشت زمان ممکن است باعث فراموشی این سرمایه عظیم الهی به ملت ایران باشد و روحیه انقلابی کاهش پیدا کند. باید از طریق برنامه‌های درسی مختلف و آموزش‌های گوناگون این روحیه را حفظ نمود.

دوم؛ خدماتی است که در دوران انقلاب اسلامی و با تلاش‌های نظام جمهوری اسلامی انجام پذیرفته است. با همه مصائب و مشکلاتی که دشمن برای ما فراهم ساخته ولی پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌ایم. این پیشرفت‌ها باید در منابع و رسانه‌های آموزشی در معرض فهم و درک دانش‌آموزان قرار گیرد.

سوم؛ وظایف ما برای صیانت و تعالی انقلاب است. دانش‌آموزان امروز و نقش‌آفرینان فردا باید بدانند که به‌عنوان شهروندان جامعه اسلامی و انقلابی چه وظایفی دارند و در انجام آن‌ها با کدام بخش‌های نظام باید مرتبط شوند. رابطه حق و تکلیف بین اعضای جامعه و نظام سیاسی باید طوری تبیین شود که هر عضوی به‌درستی بداند و بفهمد که چه تکالیفی دارد و چه حقوقی. مخصوصاً در این تکالیف به‌عمل انقلابی تأکید شود.

چهارم؛ شناخت دشمنان انقلاب اسلامی ایران است. این‌که دشمنان بی‌رحم و پی‌گیر انقلاب به‌طور مرتب بر علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه می‌کنند شک و تردیدی نیست. این توطئه‌ها را باید به‌طور واضح و مستدل به دانش‌آموزان درمیان گذاشت و گفت‌وگو کرد.

« الگوی طرح معارف انقلاب در برنامه های درسی »



گام دوم؛ تدوین و نظام‌دهی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌هایی است که به‌نوعی به معارف انقلاب اسلامی ارتباط دارند. این سه، ارکان برنامه‌درسی محسوب می‌شوند و در یادگیری نیز با این سه رکن کار داریم. اگر قصد آن داریم که دانش‌آموزان نسبت به انقلاب اسلامی ایران مهرورزی و مودت داشته باشند، دانش و اطلاعاتی را اندوخته کنند و توانائی‌هایی را در این عرصه کسب کنند باید برنامه‌درسی برپایه این سه رکن شکل بگیرد.

گام سوم؛ به تعیین نسبت برنامه‌های درسی با معارف انقلاب اسلامی ایران مربوط است. هر یک از برنامه‌ها ماهیت خاص دارند و مطابق آن باید ضلع خاصی از معارف را بپذیرند. درغیراین صورت ممکن است عدم تناسب اجزای محتوا در یادگیری اختلال ایجاد کند و نسبت به انقلاب اسلامی هم نظر صائب کسب نمایند. معارفی که جنبه اجتماعی قوی‌تری دارند با برنامه‌های درسی که صبغه اجتماعی دارند متناسب‌تر هستند. یا معارفی که بُعد اقتصادی دارند با دروس اقتصاد پیوند می‌خورند. به‌همین ترتیب بین برنامه‌های درسی و ابعاد گوناگون معارف انقلاب اسلامی می‌توان نسبت منطقی به‌وجود آورد.

گام چهارم؛ ناظر بر بررسی وضع موجود کتاب‌های درسی و فهم کاستی‌هاست. بدون شک از سال‌های پیشین و در برنامه‌های تحوّل برنامه‌ها و کتاب‌های درسی از معارف انقلاب اسلامی نمونه‌هایی طرح شده است. وضع موجود را باید بررسی کرد و به هر سه بحث در این خصوص پی برد. اثر این بررسی آن است که ضرورت‌ها تشخیص داده می‌شود و متناسب با آن‌ها اقدامات تکمیلی انجام می‌پذیرد.

گام پنجم؛ برنامه تکمیلی آموزش معارف انقلاب اسلامی ارایه و در محتوای موجود سازماندهی می‌شود. توجه به سنخیت مطالب و طراحی یک برنامه منسجم و منطقی اساسی‌ترین کاری است که باید صورت گیرد. باید دانش‌های معارفی به دانش محتوای موجود، ارزش‌ها و نگرش‌های معارفی به ارزش‌های آمیخته با متن و مهارت‌های معارفی به سنجش مهارت‌های متن موجود متصل گردند. این روش یکی از انواع روش‌هایی است که در تلفیق معارف انقلاب اسلامی با برنامه‌های درسی موجود می‌تواند مورد استفاده باشد. ممکن است سه رکن یادگیری ارزش، دانش و مهارت به‌صورت یکپارچه و با برنامه درسی پیوند بخورد. در این جا راه اندیشه‌ورزی باز است و می‌توان راه‌های دیگری نیز اندیشید و استفاده کرد.

گام شش؛ نقش معلم را در آموزش معارف انقلاب اسلامی متذکر می‌شود. معلم در برنامه‌درسی مجری، نقاد و مولّد است. هر سه نقش باید از سوی مسئولان مورد حمایت قرار گیرند. با قایل شدن این سه نقش به معلم امکان و فرصت بیشتری برای آموزش معارف انقلاب اسلامی فراهم می‌آید. او می‌تواند با مطالعات و برنامه‌ریزی خود محتوایی را تدارک ببیند و با تدریس آن به تقویت یادگیری معارف انقلاب در دانش‌آموزان یاری رساند.

گام هفتم؛ نظارت بر اجراست. نظارت و پایش داده‌ها و اطلاعات لازم در خصوص نحوه اجرای برنامه درسی یکی از گام‌های مهمی است که از طریق آن نقاط قوت و ضعف عرصه اجرا آشکار می‌شود و برای تقویت برنامه اقداماتی صورت می‌گیرد. مخصوصاً مشاهده کلاس‌های درس و چگونگی تدریس معلم اطلاعات واقعی‌تر و عینی‌تر در اختیار طراحان برنامه درسی قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

آموزش معارف انقلاب اسلامی به دانش‌آموزان و دانشجویان تداوم تفکر انقلابی را به مقدار زیادی تضمین می‌کند و از کاهش تدریجی روحیه مقاومت در برابر استکبار جهانی جلوگیری می‌نماید. برنامه‌های درسی مدارس که وسایل تربیت دانش‌آموزان محسوب می‌شوند در یاد دادن و نهادینه کردن این آموزش‌ها نقش مؤثری دارد. مهم‌ترین اقدام یافتن نسبت صحیح و مؤثر بین معارف انقلاب اسلامی با ماهیت برنامه‌های درسی است. در این خصوص از اصول و قواعد برنامه درسی باید پیروی کرد و به تأثیر آموزش‌ها افزود. از این حقیقت نباید غافل شد که معلم و مواضع او در برابر انقلاب مؤثرترین عامل است. ممکن است محتوای مناسبی نیز تهیه و ارایه شود ولی معلم کارآمد و با صلاحیت برای تدریس وجود نداشته باشد.

لذا در آموزش‌های ضمن خدمت معلمان باید بایستی در این خصوص گشود و در آماده‌سازی آنان برای تدریس معارف انقلاب حساسیت دائم داشت.